

Design and Validation of a Questionnaire for Cultural Extracurricular Activities: Focus on Aesthetic-Artistic Dimensions in Students

Rahmanian. Zahedeh¹, KafiMousavi, Abazar²

¹ Ph.D. in sports psychology, assistant professor, Fatemeh Al-Zahra Campus, Department of Psychology and Counselling, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: z.rahmanian@cfu.ac.ir

² Ph.D. in Islamic Education, Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran. Email: a.kafi@cfu.ac.ir

Abstract

Introduction: This study aimed to investigate the psychometric properties of the Cultural Extracurricular Activities Questionnaire, focusing on students' aesthetic and artistic domains.

Method: This applied research employed a sequential exploratory mixed-methods design. In the qualitative phase, components and questionnaire items were identified through interviews with 12 purposefully selected education experts and analyzed using coding techniques. In the quantitative phase, the relationships between variables were examined using a descriptive-correlational approach based on the developed questionnaire. The statistical population consisted of students from Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad Province, of whom 163 were selected using a combination of purposive and cluster sampling methods. The validity and reliability of the questionnaire were assessed through confirmatory factor analysis and Cronbach's alpha coefficient.

Findings: Qualitative results identified three dimensions, confirmed by CFA, which explained 49.36% of the questionnaire's total variance. Internal consistency via Cronbach's alpha for 24 items and three factors was satisfactory (0.93), as was split-half reliability (0.96). Discriminant validity revealed significant differences between individuals engaged in cultural activities and those who were not. However, no significant differences were observed across gender, age groups, education levels, study locations, or types of cultural activities.

Conclusion: The questionnaire demonstrates robust psychometric properties, making it suitable for researchers to assess cultural extracurricular activities centered on students' aesthetic and artistic domains.

Keywords: extracurricular activities, aesthetic, artistic, culture, field, questionnaire.

Received: 2025/04/05 ; Accepted: 2025/05/11 ; Published online: 2025/06/20

Publisher: Qom Islamic Azad University

Article type: Research Article © The Author(s).



طراحی و اعتباریابی پرسشنامه فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی: تأکید بر ابعاد زیبایی‌شناختی و هنری در دانش‌آموزان

زاهده رحمانیان^۱، اباذر کافی موسوی^۲

^۱ دکتری روان‌شناسی، استادیار، پردیس فاطمه‌الزهررا، گروه آموزش روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

z.rahmanian@cfu.ac.ir

^۲ دکتری الهیات، دانشیار، گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. a.kafi@cfu.ac.ir

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی با محوریت ساحت‌های زیباشناختی و هنری دانش‌آموزان انجام شد.

روش: این پژوهش از نوع کاربردی و با رویکرد کیفی-کمی به‌صورت طرح اکتشافی متوالی انجام شده است. در مرحله کیفی، با استفاده از مصاحبه با ۱۲ متخصص تعلیم‌وتربیت که به‌صورت هدفمند انتخاب شدند، مؤلفه‌ها و گویه‌های پرسشنامه استخراج و با روش کدگذاری تحلیل شد. در مرحله کمی، با استفاده از پرسشنامه طراحی‌شده، روابط بین متغیرها به‌صورت توصیفی-همبستگی بررسی شد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان استان کهگیلویه و بویراحمد بود که ۱۶۳ نفر از آنان به روش ترکیبی (هدفمند و خوشه‌ای) انتخاب شدند. روایی و پایایی پرسشنامه نیز با تحلیل عاملی تأییدی و ضریب آلفای کرونباخ بررسی گردید.

یافته‌ها: نتایج یافته‌های کیفی نشان‌دهنده سه بُعد بود و نتایج تحلیل عاملی تأییدی وجود سه بُعد را تأیید نمود که ۴۹/۳۶٪ از واریانس کل پرسشنامه را فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی با محوریت ساحت‌های زیباشناختی و هنری تبیین می‌کند. همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ برای ۲۴ ماده و سه عامل در کل پرسشنامه (۰/۹۳) و نیز از طریق دونیمه‌سازی (۰/۹۶) رضایت‌بخش بودند. همچنین، بین افرادی که فعالیت فرهنگی دارند و کسانی که این فعالیت‌ها را ندارند، تفاوت چشمگیری مشاهده شد (روایی افتراقی). با این حال، بین زنان و مردان، گروه‌های سنی مختلف، سطح تحصیلات، محل تحصیل و نوع فعالیت فرهنگی، تفاوت قابل‌توجهی دیده نشد.

نتیجه‌گیری: پرسشنامه واجد شرایط لازم برای بهره‌گیری پژوهشگران به‌منظور ارزیابی فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی با محوریت ساحت‌های زیباشناختی و هنری دانش‌آموزان است.

کلیدواژه‌ها: فعالیت فوق‌برنامه، زیباشناختی، فرهنگی، هنری، ساحت، پرسشنامه.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰

© نویسندگان.

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم



۱. مقدمه

نهاد آموزش و پرورش، متولی اصلی فرآیند تعلیم و تربیت دانش آموزان است. این نهاد موظف است زمینه دستیابی نظام مند، همگانی و عادلانه همه دانش آموزان را به محیط و ساختار آموزشی مناسب، کارآمد و اثربخش فراهم کند. تحقق این هدف مستلزم طراحی و تدوین طرح‌ها، نقشه‌های راه و سازوکارهای سنجشی اصولی است که با نظام تعلیم و تربیت اسلامی - ایرانی همخوانی داشته باشد (عیاری و موسی‌پور، ۱۴۰۲: ۱۸۹-۱۹۱). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به عنوان آخرین الگوی کلان سیاست‌گذاری مصوب، مجموعه‌ای از سیاست‌های استراتژیک و برنامه‌های راهبردی را در بر می‌گیرد که با هدف ایجاد تحولی عمیق، ریشه‌ای، همه‌جانبه، نظام‌مند و آینده‌پژوهانه تدوین شده است. این سند، انسان را موجودی چندساحتی می‌داند و بر ضرورت نگرشی متوازن و جامع به شش ساحت تربیتی برای رشد و تربیت‌پذیری او تأکید می‌کند که یکی از این ساحت‌ها، «ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری» دانش آموزان است (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۵۹). رویکرد هنری و زیبایی‌شناختی نه تنها دریچه‌ای نوین به روی فراگیران می‌گشاید، بلکه معیاری برای درک، تحلیل، ارزیابی و به‌کارگیری دانش در اختیار آنان قرار می‌دهد (نیکخواه، ۱۴۰۱: ۵۸). افزون بر این، اصل چهاردهم سند تحول بنیادین بر لزوم ایجاد و به‌روزرسانی فضاهای تربیتی متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای دانش آموزان، اقتضائات فرهنگ اسلامی - ایرانی و شرایط اقلیمی، فرهنگی و جغرافیایی پای می‌فشارد (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). به عبارت دیگر، این فعالیت‌ها با استفاده از ظرفیت‌های آموزشی، ارتباطات غیررسمی، پرورش خلاقیت، و مشارکت در حوزه‌های هنری، فنی، ورزشی و فکری را تقویت می‌کنند و فرصت‌های یادگیری و توسعه فردی و گروهی را گسترش می‌دهد (الکرو، ۲۰۲۲). طراحی فعالیت‌های فوق برنامه با هدف تقویت ساحت‌های شش‌گانه تربیتی (اعتقادی، عبادی، اخلاقی، حرفه‌ای، زیستی و بدنی) انجام می‌شود و بر زیبایی‌شناسی، هنر و سنجش مهارت‌های فردی و گروهی تمرکز دارد. تدوین معیارهای جامع و روشمند برای ارزیابی این برنامه‌ها، به منظور تصمیم‌گیری کارآمد، از اولویت‌های نظام آموزش و پرورش است (پرکان و سلطانی، ۱۳۹۰)؛ به عبارت دیگر، ارزیابی مبتنی بر معیارهای مشارکت دانش آموزان و انطباق با سند تحول بنیادین، به‌روزرسانی فضاها را به عاملی کلیدی برای تبدیل مدارس به محیط‌های پویا («حیات طیبه») تبدیل می‌کند.

از این رو، تربیت زیبایی‌شناختی علاوه بر پرورش ادراک، ویژگی‌هایی مانند خلاقیت، تخیل،

اعتماد به نفس، پشتکار و تفکر نقادانه را تقویت می‌کند. فعالیت‌های فرهنگی و هنری فوق‌برنامه نیز با غنی‌سازی یادگیری، توانایی‌های حسی، عاطفی و شناختی دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشند. با این حال، چالش اصلی نبود ابزارهای ارزیابی بومی و معتبر برای سنجش این فعالیت‌ها در ایران است، چرا که ابزارهای موجود اغلب ترجمه‌ای و نامتناسب با فرهنگ و نیازهای جامعه ایرانی هستند. این شکاف باعث شده متخصصان داخلی بدون دسترسی به سنج‌های علمی بومی، صرفاً بر پایه تجربیات شخصی عمل کنند. پژوهش حاضر با هدف رفع این خلأ، به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی با تأکید بر تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دانش‌آموزان استان کهگیلویه و بویراحمد می‌پردازد تا امکان ارزیابی نظام‌مند و همسو با اسناد تحولی مانند سند تحول بنیادین فراهم شود. پرسش‌های اصلی این پژوهش عبارتند از: ۱. سازه‌ها و مؤلفه‌های فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی در راستای ساحت‌های تربیت زیبایی‌شناختی و هنری دانش‌آموزان این استان کدام‌اند؟ ۲. آیا پرسشنامه طراحی‌شده از روایی لازم برای سنجش این فعالیت‌ها برخوردار است؟ ۳. آیا این پرسشنامه از پایایی کافی برای استفاده در جامعه مورد مطالعه برخوردار است؟

۲. مبانی نظری و پیشینه

سند تحول بنیادین در حوزه آموزش، بر «ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری» تأکید دارد که هدف آن، آماده‌سازی دانش‌آموزان برای تحقق جنبه‌های زیبایی‌شناختی و هنری در زندگی مطلوب (حیات طیبه) است. فعالیت‌های فوق‌برنامه مانند اردوها، جشن‌ها، نمایشگاه‌ها و مسابقات فرهنگی-هنری، به عنوان ابزارهای کلیدی در این مسیر معرفی شده‌اند. این فعالیت‌ها با مشارکت دانش‌آموزان و هدایت مربیان، زمینه‌ساز پرورش و شکوفایی استعدادهای هنری و زیبایی‌شناختی آنان هستند (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰؛ تقی‌پور سهل‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۰).

بر پایه نظریه آیزنر (۱۹۹۵)، اهداف کلیدی تربیت هنری در چهار حوزه طبقه‌بندی می‌شود: تولید آثار هنری، نقد هنری، تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی (علیق، ۱۳۹۰). از سوی دیگر، دیویی تربیت هنری و زیبایی‌شناختی را بر پایه تجارب زیباشناسانه تعریف می‌کند که در آن، محتوا تجربه‌محور، روش مبتنی بر حل مسئله و ارزشیابی فرآیند محور است. هرچند نگاه دیویی بر تأثیرات زیبایی‌شناختی تأکید دارد، اما از نظر محتوایی با چالش‌های هم‌سویی با بسترهای فرهنگی روبه‌روست (غلام‌پور و همکاران، ۱۴۰۰: ۷). سند تحول بنیادین، سازه‌های اصلی تربیت زیبایی‌شناختی و هنری را در شش محور ترسیم می‌کند:

۱. پرورش حواس پنج‌گانه، ۲. ایجاد بستر برای رشد تخیل و قوه خیال، ۳. توسعه توانایی

رمزگذاری و رمزگشایی، ۴. تقویت خلاقیت و آفرینش‌گری، ۵. انعطاف‌پذیری در روش‌های تربیتی، ۶. زمینه‌سازی برای گرایش و تخصص هنری در متریان (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۵۹). با وجود اهمیت این ساحت، تاکنون پژوهشی به سنجش فعالیت‌های فوق‌برنامه در راستای اهداف زیبایی‌شناختی و هنری دانش‌آموزان نپرداخته است. در ادامه، مروری اجمالی بر پژوهش‌های مرتبط با این حوزه خواهیم داشت.

حسینی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به روش سنتزپژوهی، ۵۳ مؤلفه برای برنامه درسی فوق‌برنامه شناسایی نمودند که مهم‌ترین آن‌ها شامل اثربخشی و تأثیر فعالیت‌های فوق‌برنامه بر رشد اجتماعی، پیشرفت تحصیلی، سلامت، مهارت‌های اجتماعی و هم‌ها با علایق و نیازهای دانش‌آموزان، و اهمیت منابع انسانی، بودجه و امکانات اشاره شد. نتایج پژوهش می‌تواند راهنمایی برای بهبود طراحی و اجرای برنامه‌های فوق‌برنامه توسط متخصصان و برنامه‌ریزان باشد. تقی‌پور سهل‌آبادی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای، روش‌های اجرایی منطبق با سیره رضوی را برای فعالیت‌های فوق‌برنامه مدارس پیشنهاد کردند؛ ازجمله برگزاری اردوهای علمی، جلسات مباحثه، مطالعه گروهی و برنامه‌های عبادی. درزی رامندی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان دادند الگوی برنامه درسی فعالیت‌های فوق‌برنامه با هدف غنی‌سازی یادگیری، بهبود عملکرد تحصیلی، جبران کاستی‌های برنامه درسی رسمی و توجه به تفاوت‌ها و توانایی‌های فردی و منطقه‌ای دانش‌آموزان طراحی شده است. کنجاویچ^۱ (۲۰۲۴) در پژوهش خود نشان داد که مشارکت دانش‌آموزان در باشگاه‌های موسیقی، به ارتقای دانش معنوی، درک زیبایی‌شناختی، جهان‌بینی و توانایی نقد اجراهای سنتی منجر می‌شود. از سوی دیگر، ژانگ^۲ (۲۰۲۴) در تحلیل راهبردهای آموزش زیبایی‌شناختی فرادرسی، بر استفاده از هنر به‌عنوان پایه روش‌های تدریس و طراحی فعالیت‌های بین‌رشته‌ای حول محورهای هنر، فناوری، ورزش و طبیعت تأکید کرد. ایشیگور و همکاران (۲۰۲۳) با به‌کارگیری مدل‌سازی معادلات ساختاری، ارتباط مثبت بین مشارکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه موسیقی و هنرهای تجسمی با بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه‌های هفتم و نهم را تأیید کردند. بویکو^۳ (۲۰۲۳) نیز ادغام زبان انگلیسی و هنر در فعالیت‌های فوق‌برنامه را عاملی برای تقویت مهارت‌های نرم، ارتباطات بین‌فرهنگی، خلاقیت و انگیزه یادگیری زبان دانست که از طریق فعالیت‌هایی مانند خلق آثار هنری، بحث درباره موسیقی و ایفای نقش در موقعیت‌های

1. Kenjaevich
2. Zhang
3. Boiko

واقعی محقق می‌شود. آرتاوا^۱ و همکاران (۲۰۲۱) نشان می‌دهند که محیط اجتماعی روستایی، نقش مهمی در شکل‌گیری فرهنگ هنری و زیبایی‌شناختی دانش‌آموزان ایفا می‌کند. این محیط به رشد حس زیبایی‌شناختی، تقویت احترام به طبیعت، حفظ میراث فرهنگی و توسعه ترجیحات هنری دانش‌آموزان کمک شایانی می‌کند. هم آموزان روستایی بازتابی از فرآیندهای کل‌نگر اجتماعی-فرهنگی است که در قالب فعالیت‌های تربیتی و کاربردی (مانند صنایع‌دستی یا مراسم محلی) تجلی می‌یابد.

از این رو، فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی-هنری در مدارس، با هدف تقویت ساحت‌های شش‌گانه تربیتی (اعتقادی، عبادی، اخلاقی، حرفه‌ای، زیستی و بدنی) و پرورش استعدادها، مسئولیت‌پذیری، مشارکت گروهی، و آشنایی با فرهنگ‌های بومی طراحی شده‌اند. این فعالیت‌ها مبتنی بر انتخاب داوطلبانه دانش‌آموزان و تنوع محتوایی هستند، اما نیاز به ابزارهای ارزیابی منطبق با نیازهای سنی و فرهنگی هر منطقه دارند تا آثار مثبت آن‌ها را تقویت و تبعات منفی را کاهش دهند. نبود مطالعات جامع داخلی و خارجی درباره فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی-هنری، پیوند این فعالیت‌ها با مؤلفه‌های تحصیلی (پیشرفت و انگیزش تحصیلی؛ برای مثال، ایشیگور و همکاران، ۲۰۲۳) و نیاز به طراحی ابزار سنجش همسو با سند تحول بنیادین و عدم وجود راهنمای عملی برای بهینه‌سازی این فعالیت‌ها در راستای اهداف تربیتی و بررسی تأثیر فعالیت‌ها بر بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، ضرورت انجام پژوهش را محرز نمود. از کاربردهای پژوهش حاضر:

۱. تقویت پیوند سیاست‌گذاری و اجرا: ایجاد ارتباط بین طراحان سند تحول بنیادین و مجریان مدارس؛
۲. رفع موانع تربیتی: شناسایی و رفع چالش‌های اجرای ساحت‌های زیبایی‌شناختی و هنری؛
۳. ارائه ابزار راهبردی: طراحی پرسشنامه عملیاتی برای برنامه‌ریزی و ارزیابی فعالیت‌ها مبتنی بر اهداف تربیتی سند.

از جنبه‌های نوآوری پژوهش، ادغام مؤلفه‌های فعالیت‌های فوق‌برنامه با سازه‌های سند تحول بنیادین در قالب یک پرسشنامه و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن برای نخستین بار در جهان است. لذا، با توجه به ادبیات پژوهشی و در راستای پرسش‌های اصلی پژوهش (در بخش مقدمه ذکر شده‌اند)، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر استنباط می‌شود:

۱. سازه‌های فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی در راستای ساحت‌های زیبایی‌شناختی و هنری دانش‌آموزان، متشکل از مؤلفه‌های معناداری است که از طریق تحلیل کیفی و کمی قابل

استخراج هستند.

۲. پرسشنامه طراحی شده، از روایی لازم (محتوایی، سازه و افتراقی) برای سنجش فعالیت‌های فوق برنامه فرهنگی برخوردار است.

۳. پرسشنامه طراحی شده، از پایایی کافی (همسانی درونی و ثبات) برای استفاده در جامعه دانش آموزان برخوردار است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد ترکیبی (آمیخته) متوالی اکتشافی (کیفی ← کمی) با هدف توسعه و اعتبارسنجی ابزاری بومی برای سنجش ارتباط فعالیت‌های فرهنگی-هنری با ساحت‌های زیباشناختی در نظام تعلیم و تربیت طراحی و اجرا شده است. در فاز نخست، با بهره‌گیری از روش کیفی، عوامل مؤثر شناسایی و ابزار اولیه طراحی شد. سپس در فاز کمی، این ابزار اعتبارسنجی شده و روابط میان متغیرها بررسی و یافته‌ها تعمیم داده شدند. این رویکرد، با بهره‌گیری هم‌زمان از غنای زمینه‌محور روش کیفی و دقت و قابلیت تعمیم روش کمی، تلاش داشته تا نتایج جامع، معتبر و کاربردی ارائه دهد. مراحل روش‌شناسی به‌طور مجزا و منظم به شرح زیر ارائه می‌شود:

الف. بخش کیفی (مرحله اکتشافی و مبنایی)

در این مرحله از پژوهش، هدف اصلی شناسایی جامع و عمیق عوامل مؤثر بر توسعه فعالیت‌های فرهنگی-هنری دانش آموزان با تأکید بر ساحت‌های زیباشناختی و هنری است. این مطالعه از نوع پژوهش‌های کاربردی بوده و با رویکردی اکتشافی-توصیفی انجام گرفته است.

برای گردآوری داده‌ها، از دو روش عمده استفاده شده است: نخست، تحلیل محتوای کیفی اسناد از طریق مرور سیستماتیک کلیه اسناد علمی منتشرشده در پایگاه‌های داده معتبر مرتبط با موضوع پژوهش؛ دوم، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با متخصصان حوزه برنامه‌ریزی درسی و تعلیم و تربیت، به منظور دستیابی به دیدگاه‌های عمیق و تجربی در زمینه مورد نظر.

جامعه پژوهش شامل دو بخش است: (۱) تمامی اسناد علمی مرتبط موجود در پایگاه‌های داده معتبر، و (۲) متخصصان حوزه برنامه‌ریزی درسی و تعلیم و تربیت در استان کهگیلویه و بویراحمد، شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و کارشناسان ارشد اداره کل آموزش و پرورش.

نمونه‌گیری به روش هدفمند و بر اساس معیارهای دسترسی و تخصص صورت گرفته، به گونه‌ای که پژوهشگر تا رسیدن به اشباع نظری به جمع‌آوری داده‌ها ادامه داده است. در نهایت، نمونه نهایی شامل ۱۲ نفر متخصص بود که ترکیبی از ۴ عضو هیئت علمی از دانشگاه‌های آزاد، پیام نور، علمی-

کاربردی و فرهنگیان، و ۸ کارشناس ارشد در حوزه فرهنگی-اجتماعی اداره کل آموزش و پرورش استان را در بر می‌گرفت.

داده‌های به‌دست‌آمده از طریق کدگذاری محتوایی تحلیل شد و مضامین اصلی (تم‌ها) مرتبط با عوامل مؤثر بر توسعه فعالیت‌های فرهنگی-هنری استخراج گردیده‌اند. نتایج حاصل از این مرحله کیفی، نقش مهمی در طراحی گویه‌های پرسشنامه محقق‌ساخته برای بخش کمی پژوهش ایفا کرده‌اند و مبنای علمی و تجربی طراحی آن پرسشنامه را فراهم آورده‌اند.

ب. بخش کمی (مرحله توصیفی-همبستگی و اعتبارسنجی)

در این پژوهش، هدف اصلی اعتبارسنجی پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته است که بر مبنای یافته‌های بخش کیفی طراحی شده و شامل ۲۴ گویه می‌باشد. افزون بر این، بررسی روابط میان متغیرهای مختلف و مقایسه بین گروه‌های گوناگون نیز از اهداف مهم مطالعه به شمار می‌رود. یکی از دغدغه‌های محوری در این راستا، امکان تعمیم‌پذیری نتایج به جامعه آماری گسترده‌تر است. طرح پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی است و تمرکز آن بر روش‌های روان‌سنجی و آزمون فرضیه‌ها قرار دارد. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان مقاطع ابتدایی، متوسطه اول و متوسطه دوم استان کهگیلویه و بویراحمد در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ تشکیل می‌دهند. نمونه‌گیری به صورت ترکیبی و شامل دو روش هدفمند و خوشه‌ای تصادفی انجام شده است. در این چارچوب، دو گروه مشخص انتخاب شدند:

گروه اول شامل ۷۰ نفر از دانش‌آموزانی است که به صورت مستند در فعالیت‌های فرهنگی-هنری فوق‌برنامه مشارکت داشته‌اند (انتخاب هدفمند).

گروه دوم شامل ۹۳ نفر از دانش‌آموزان بدون سابقه این گونه فعالیت‌هاست که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند (شامل ۵ مدرسه و دو کلاس در هر مدرسه به صورت تصادفی). در مجموع، حجم نمونه برابر با ۱۶۳ نفر است که با استناد به منابع علمی و معیارهای آماری نظیر حداقل حجم لازم برای پژوهش‌های توصیفی و همبستگی (دلاور، ۱۴۰۳) و نیز رعایت قاعده کلاین برای تحلیل عاملی (کلاین^۱، ۲۰۲۳)، حجم نمونه توجیه‌پذیر ارزیابی می‌شود. هم‌های جمعیت‌شناختی مانند جنسیت، سن، محل سکونت و مقطع تحصیلی و در نظر گرفتن احتمال ریزش نمونه، از دیگر ملاحظات در تعیین حجم نمونه بوده است.

ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته شامل ۲۴ گویه است که مستقیماً از یافته‌های

کیفی استخراج شده است و

با هدف سنجش انگیزه‌های مشارکت فعال افراد در فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی-هنری، متناسب با ساحت‌های زیبایی‌شناختی و هنری سند تحول بنیادین طراحی شد. گروه هدف، افراد ۷ سال به بالا بود. مقیاس نمره‌دهی طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (از «کاملاً نادرست (۱)» تا «کاملاً درست (۵)») است. دامنه نمرات، حداقل ۲۴ و حداکثر ۱۲۰ و نمره کل از مجموع نمرات خرده مقیاس‌ها محاسبه می‌شود. برای اعتبارسنجی این ابزار، از روش‌های مختلفی بهره گرفته شده است:

روایی محتوایی از طریق تأیید ۱۲ نفر از متخصصان حوزه برنامه‌ریزی درسی و تعلیم و تربیت.

روایی سازه با اجرای تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) به منظور شناسایی ساختار زیرین گویه‌ها و تحلیل عاملی تأییدی (CFA) جهت سنجش برازش ساختار.

روایی افتراقی از طریق مقایسه نمرات دو گروه دارا و فاقد سابقه فعالیت فرهنگی-هنری با استفاده از آزمون t مستقل.

برای سنجش پایایی پرسشنامه نیز از روش‌های متنوعی استفاده شده است، از جمله: ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی همسانی درونی، روش دونیمه‌سازی (Split-half)، پایایی ترکیبی (Composite Reliability)، و ضریب rho_A.

به منظور ارتقای کیفیت ابزار، پیش از اجرای نهایی، یک مطالعه مقدماتی (پایلوت) انجام گرفت که هدف آن شناسایی و اصلاح نواقص احتمالی، بررسی میزان فهم‌پذیری گویه‌ها و دستیابی به شواهد اولیه‌ای از اشباع نظری بود.

در زمان اجرای پژوهش، مفاهیم پرسشنامه به زبان ساده برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد تا اطمینان حاصل شود که سؤالات به درستی درک می‌شوند. پرسشنامه‌ها در مناطق شهری و روستایی، با توجه به ویژگی‌های خاص جغرافیایی از جمله مناطق صعب‌العبور، توزیع گردیدند.

تحلیل داده‌ها در دو سطح انجام شده است:

الف-آمار توصیفی برای توصیف ویژگی‌های نمونه و متغیرها (شامل میانگین، میانه، انحراف معیار و واریانس).

ب-آمار استنباطی برای آزمون فرضیه‌ها که شامل موارد زیر است:

- بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها؛
- تحلیل عاملی اکتشافی (EFA) و تأییدی (CFA) جهت سنجش روایی سازه؛
- آزمون t مستقل برای مقایسه نمرات بین دو گروه مذکور؛
- تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) برای بررسی تفاوت نمرات بر حسب متغیرهای

جمعیت‌شناختی نظیر جنسیت، سن، مقطع تحصیلی، محل سکونت و نوع فعالیت؛

- ضریب همبستگی پیرسون جهت بررسی ارتباط بین متغیرها و ارزیابی همسانی درونی گویه‌ها.

برای تحلیل داده‌ها از دو نرم‌افزار استفاده شده است: SPSS (برای تحلیل‌های توصیفی، آزمون t، تحلیل عاملی اکتشافی، MANOVA و ضریب همبستگی)؛ PLS برای اجرای تحلیل عاملی تأییدی (CFA) و مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM). سطح معناداری برای کلیه آزمون‌ها برابر با ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است ($p < 0/05$).

۴. یافته‌ها

۴-۱. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی

مراحل کدگذاری سه‌گانه (باز، محوری، و موضوعی) برای تحلیل داده‌های ذکر شده به شرح زیر است. این مراحل بر اساس مؤلفه‌ها، ابعاد، و گویه‌های ارائه‌شده در متن و جدول، طراحی شده‌اند:

۱. کدگذاری باز (Open Coding)

هدف از آن شناسایی و نام‌گذاری مفاهیم پایه از طریق تجزیه داده‌ها به اجزای کوچک و معنادار بود که از طریق انتساب برچسب‌های مفهومی به هر گزاره یا پرسش حاصل شد.

جدول ۱- کدگذاری باز

کدباز	داده (متن/گویه)
مشاهده دقیق، تحلیل محیط، درگیرسازی حواس	تقویت توانایی مشاهده دقیق و تحلیل محیط از طریق درگیرسازی حواس پنج‌گانه
نوآوری، خلاقیت	نقش فعالیت‌های فوق‌برنامه در تقویت نوآوری و خلاقیت
ادراک معنایی، رابطه زیبایی-اخلاق	پرورش ادراک معنایی و شناخت رابطه میان زیبایی، اخلاق و انسانیت
پیوند هنر و زندگی	تأثیر فعالیت‌های فوق‌برنامه بر اتصال آموزش هنری به زندگی روزمره؟

<https://sanad.iau.ir/journalitem/>

۲. کدگذاری محوری (Axial Coding)

هدف از آن کشف روابط بین کدهای باز و سازماندهی آن‌ها در قالب مقوله‌های محوری بود از طریق اتصال کدهای مرتبط به یکدیگر تحت مقوله‌های مفهومی گسترده‌تر و شناسایی علل، راهبردها، و پیامدهای هر مقوله به دست آمد.

جدول ۲- کدگذاری محور

کدهای باز	مقوله محوری	زیرمقوله‌ها
مشاهده دقیق، تحلیل محیط، درگیرسازی حواس	پرورش حواس و افزایش دقت	تقویت مشاهده فعال، تحلیل محیطی چند حسی
نوآوری، خلاقیت، الگوهای جدید تفکر	توسعه تفکر خلاق	آموزش راهکارهای نوین، ترویج نواندیشی
ادراک معنایی، رابطه زیبایی- اخلاق، پیوند هنر و زندگی	درک مفاهیم زیبایی شناختی	ادراک معنایی زیبایی، اخلاق مدارس هنر

۳. کدگذاری موضوعی (Thematic Coding)

هدف از آن استخراج مضامین فراگیر و یکپارچه از مقوله‌های محوری بود که از طریق ترکیب مقوله‌های محوری در قالب مضامین کلان مرتبط با هدف پژوهش و ارتباط مضامین با ابعاد اصلی الگوی فعالیت‌های فرهنگی-هنری حاصل شد.

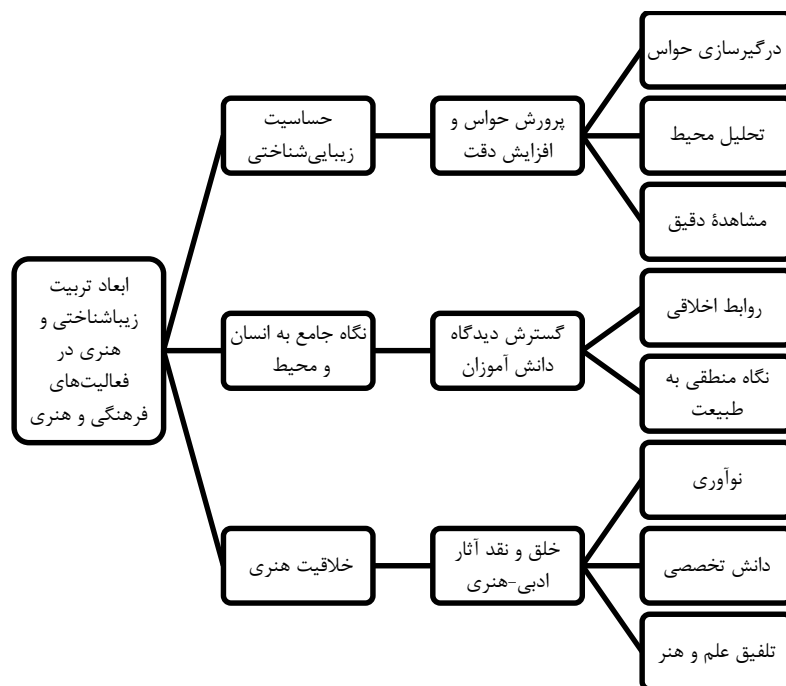
جدول ۳- کدگذاری انتخابی و موضوعی

مقوله‌های محوری	مضمون کلان	توضیحات
پرورش حواس و افزایش دقت، درک مفاهیم زیبایی شناختی	حساسیت زیبایی شناختی	توسعه توانایی درک زیبایی از طریق تقویت حواس، تحلیل محیط، و ارتباط آن با اخلاق.
توسعه تفکر خلاق، خلق و نقد آثار ادبی-هنری	خلاقیت هنری	تلفیق دانش تخصصی با نوآوری در تولید و نقد آثار هنری.
گسترش دیدگاه دانش‌آموزان، اخلاقی و انسانی نمودن روابط	نگاه جامع به انسان و محیط	تعمیق نگاه منطقی به طبیعت و تقویت روابط اخلاقی از طریق هنر.

به‌طورکلی با بررسی مراحل سه‌گانه کدگذاری می‌توان به مضامین کلان، مؤلفه‌های محوری و کدهای باز مرتبط با آن‌ها رسید و بدین ترتیب گویه‌های پرسشنامه مرتبط با داده‌های به‌دست‌آمده طراحی شد.

جدول ۴- کدگذاری کلی سه‌گانه

مضامین کلان	مقوله‌های محوری	کدهای باز
حساسیت زیبایی شناختی	پرورش حواس و افزایش دقت	مشاهده دقیق، تحلیل محیط، درگیرسازی حواس
خلاقیت هنری	خلق و نقد آثار ادبی-هنری	نوآوری، دانش تخصصی، تلفیق علم و هنر
نگاه جامع به انسان و محیط	گسترش دیدگاه دانش‌آموزان	نگاه منطقی به طبیعت، روابط اخلاقی



شکل ۱- مدل نظری ابعاد تربیت زیباشناختی و هنری در فعالیتهای فرهنگی و هنری

۴-۲. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های کمی

در بررسی ساختار عاملی پرسشنامه فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی مرتبط با ساحت‌های تربیت زیباشناختی و هنری، از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد. مفروضه‌های تحلیل عاملی به شرح زیر بررسی شدند:

۱. داده‌های گمشده: میزان داده‌های گمشده کمتر از ۲٪ بود که نشان‌دهنده کمبود ناچیز و کیفیت مطلوب داده‌هاست. هیچ شرکت‌کننده‌ای از تحلیل حذف نشد.

۲. کفایت حجم نمونه: مقدار شاخص KMO برابر با ۰/۸۱۸ به دست آمد (بالتر از آستانه ۰/۶) که نشان‌دهنده کفایت نمونه و تناسب داده‌ها برای تحلیل عاملی است.

۳. کرویت داده‌ها: آزمون بارتلت^۱ در سطح $p < ۰/۰۰۰۱$ معنادار بود که تأیید می‌کند همبستگی کافی بین متغیرها وجود دارد و تحلیل عاملی قابل اجراست.

1. Bartlett

۴. تعیین تعداد عوامل: براساس نمودار اسکری^۱، سه عامل از ۲۴ گویه استخراج شد.

۵. بارهای عاملی و اشتراک‌ها^۲: تمام گویه‌ها بار عاملی بالای ۰/۴ داشتند و در پرسشنامه باقی ماندند. این مراحل، اعتبار ساختاری پرسشنامه و تناسب آن برای سنجش ابعاد تربیت زیباشناختی و هنری را تأیید کرد.

جدول ۵- ماتریس مؤلفه‌های چرخش یافته، بارعاملی گویه‌ها

عامل	گویه	وزن عاملی	بارعاملی چرخشی
حساسیت زیبایی‌شناختی	۱	۰/۶۷۶	۰/۵۰۷
	۲	۰/۶۷۲	۰/۶۶۲
	۳	۰/۶۵۷	۰/۷۱۸
	۴	۰/۶۱۰	۰/۴۱۳
	۵	۰/۶۵۳	۰/۴۴۶
	۶	۰/۶۷۳	۰/۵۷۶
	۷	۰/۵۸۷	۰/۵۲۹
	۸	۰/۶۶۸	۰/۶۱۷
	۹	۰/۶۸۸	۰/۵۰۹
	۱۰	۰/۷۹۶	۰/۵۵۸
	۱۱	۰/۵۷۹	۰/۵۱۹
	۱۲	۰/۶۸۸	۰/۶۱۵
	۱۳	۰/۶۷۳	۰/۴۴۲
نگاه جامع به انسان و محیط	۱۴	۰/۶۰۵	۰/۴۵۵
	۱۵	۰/۵۹۰	۰/۴۳۰
	۱۶	۰/۷۴۲	۰/۴۷۳
	۱۷	۰/۷۳۷	۰/۵۱۷
	۱۸	۰/۷۱۵	۰/۶۶۹
	۱۹	۰/۷۵۱	۰/۷۱۷
	۲۰	۰/۶۷۳	۰/۶۲۹
خلاقیت هنری	۲۱	۰/۶۹۰	۰/۷۱۵
	۲۲	۰/۷۱۶	۰/۶۹۶
	۲۳	۰/۵۸۲	۰/۴۸۵
	۲۴	۰/۶۶۳	۰/۷۷۳

در ادامه بررسی ساختار عاملی پرسشنامه، با استفاده از روش استخراج مؤلفه‌های اصلی و چرخش ماتریس مؤلفه‌ها، شش عامل شناسایی شد که هر یک به ابعاد خاصی از تربیت زیباشناختی و هنری مرتبط بودند: عامل ۱: حساسیت زیبایی‌شناختی (گویه ۱-۱۳) با ارزش ویژه ۴/۸۵۴ بود و تبیین ۲۰/۲۲۳٪ از واریانس. عامل ۲: خلاقیت هنری (گویه ۲۱-۲۴) با ارزش ویژه ۳/۵۳۹ و تبیین ۱۴/۷۴۶٪ از واریانس. عامل ۳: نگاه جامع به انسان و محیط (گویه ۱۴-۲۰) با ارزش ویژه ۳/۴۵۳ و تبیین ۱۴/۳۸۸٪ از واریانس. مجموع واریانس تبیین شده توسط سه عامل، ۴۹/۳۵۶٪ بود که بالاتر از حداقل استاندارد (۳۰٪) قرار دارد. ارزش ویژه تمام عوامل بالاتر از ۲ بود که نشان‌دهنده قدرت تأثیرگذاری هر عامل در تبیین ساختار پرسشنامه است. این نتایج، روایی ساختاری پرسشنامه و قابلیت آن در سنجش ابعاد مختلف تربیت زیباشناختی و هنری را تقویت می‌کند.

جدول ۶- مقدار واریانس تبیین شده در هر عامل (همراه با چرخش)

ردیف	مجموع مربعات چرخش یافته			مجموع مربعات استخراج شده			مقادیر ویژه اولیه		
	واریانس	٪ از کل	کل	واریانس	٪ از کل	کل	واریانس	٪ از کل	کل
۱	۲۰/۲۲۳	۲۰/۲۲۳	۴/۸۵۴	۳۶/۹۱۸	۳۶/۹۱۸	۸/۸۶	۳۸/۹۸۷	۳۸/۹۸۷	۹/۳۵۷
۲	۳۴/۹۶۹	۱۴/۷۴۶	۳/۵۳۹	۴۴/۶۱۳	۷/۶۹۵	۱/۸۴۷	۴۸/۵۷۹	۹/۵۹۲	۲/۳۰۲
۳	۴۹/۳۵۶	۱۴/۳۸۸	۳/۴۵۳	۴۹/۳۵۶	۴/۷۴۳	۱/۱۳۸	۵۵/۴۱۲	۶/۸۳۴	۱/۶۴

از طریق نرم‌افزار پی‌ال‌اس^۱ شاخص‌های برازندگی مدل ۶ عاملی اولیه و مدل سه عاملی اصلاح شده (مطابق با تحلیل عاملی اکتشافی) بررسی شد (جدول ۷). همان‌طور که در جدول (۷) ملاحظه می‌شود مدل ۳ عاملی دارای میزان کاسکوئر کمتر (۳)، شاخص SRMR مطلوب‌تر (مطلوب: < 0.08)، تفاوت کمتر بین ماتریس‌های کوواریانس مشاهده‌ای و (مدل)، NFI مطلوب‌تر و d_G کمتر (تفاوت کمتر بین مدل و داده‌ها) است و توانست برازش مناسب‌تری را نسبت به مدل اولیه اختیار کند. هم‌چنین معیار کلی برای روش حداقل مربعات جزئی نیکویی برازش (Gof) نام دارد که از فرمول زیر به دست می‌آید: $GOF = \sqrt{AVE * R^2}$

نیکویی برازش حساسیت زیبایی‌شناختی: $GOF = \sqrt{.685 * .47} = .567$
 هنری: $GOF = \sqrt{.645 * .243} = .396$

نیکویی برازش نگاه جامع به انسان و محیط: $GOF = \sqrt{.514 * .563} = .538$

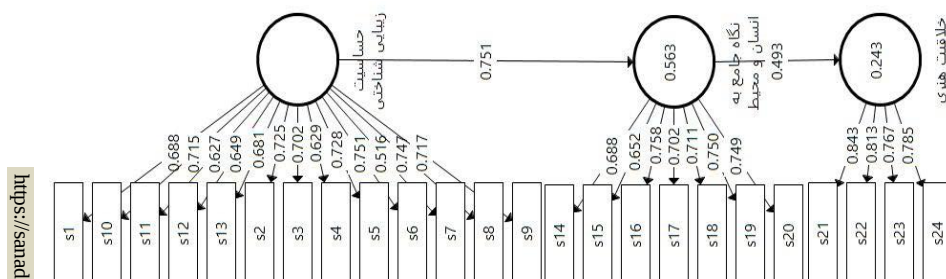
باتوجه به تعریف مقادیر ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای شاخص نیکویی برازش، حاصل شدن مقدار بیش از ۰/۳۶ برای هر سه خرده مقیاس پرسشنامه نشان از برازش قوی و مطلوب مدل دارد. در نتیجه شاخص های برازش در محدوده قابل قبولی قرار دارند و می توان به نتایج به دست آمده اعتماد کرد.

جدول (۷)- شاخص های برازش ساختارهای عاملی پرسشنامه

نوع	X ² /df	SRMR	d_ULS	NFI	d_G
۶ عاملی	*۲/۱۸	۰/۱۴	۶/۰۳	۰/۵۳	۷۴/۱
۳ عاملی	*۱/۹۱	۰/۱۰	۳/۲۲	۰/۵۵	۵۷/۱

$$*p < 0.0001$$

شکل (۱) نمایانگر مدل عاملی مناسب پرسشنامه همراه با بار عاملی مربوط به گویه ها است.



شکل ۱- مدل ۳ عاملی فعالیت های فوق برنامه فرهنگی در راستای ساحت های تربیت زیباشناختی و هنری

در مدل ویرایش شده تمام گویه ها دارای بار عاملی بیش از ۰/۷ داشت. میزان نرمال بودن و خطی بودن همبستگی^۱ بین گویه ها، خرده مقیاس ها و مقیاس ها بیش از ۱ بود و نشان از نرمال بودن داده ها است. میزان روایی تشخیصی^۲ یا واگرا و روایی همگرا طبق معیار فورنل-لارکر^۳ در جدول

1. Collinearity Statistics (VIF)
2. Discriminant Validity
3. Fornell-Larcker Criterion

(۸) خلاصه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود همبستگی بین تمام جفت خرده‌مقیاس‌ها کمتر از جذر AVE مربوطه است. بنابراین، هر خرده‌مقیاس از دیگر خرده‌مقیاس‌ها متمایز است (روایی تشخیصی). به علاوه، مقادیر AVE همه خرده‌مقیاس‌ها به جز حساسیت زیبایی شناختی بالای ۰/۵ است، که نشان‌دهنده هماهنگی درونی مناسب سؤالات هر خرده‌مقیاس است (روایی همگرا). لذا، ساختار اندازه‌گیری از نظر روایی همگرا و تشخیصی معتبر است.

جدول ۹- میزان روایی تشخیصی طبق معیار فورنل-لارکر خرده‌مقیاس‌ها با یکدیگر و با کل مقیاس

خرده مقیاس	AVE	۱	۲	۳
حساسیت زیبایی شناختی ۱	۰/۴۷۰	۰/۶۸۵		
خلاقیت هنری ۲	۰/۶۴۵	۰/۴۹۸	۰/۸۰۳	
نگاه جامع به انسان و محیط ۳	۰/۵۱۴	۰/۷۵۱	۰/۴۹۳	۰/۷۱۷

روایی سازه مدل با بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم در قالب بوت استروپ استخراج گردید که در جدول (۷) خلاصه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود اثرات مستقیم و غیرمستقیم تمامی خرده‌مقیاس‌ها بر یکدیگر معنادار است ($p < ۰/۰۵$; $t > ۱/۹۶$) و نشان‌دهنده معناداری روابط بین سازه‌هاست. در نتیجه، مدل نظری از اعتبار کافی برخوردار است و روابط علی میان متغیرهای پنهان به‌درستی بازتاب داده شده‌اند.

جدول ۱۰- مسیرها و ضرایب استاندارد مربوط به اثرات مستقیم و غیرمستقیم بین خرده‌مقیاس‌ها در مدل نهایی

مسیر	T	درجه معناداری
حساسیت زیبایی شناختی -> خلاقیت هنری	۴/۷۶۷	۰/۰۰۰۱
حساسیت زیبایی شناختی -> نگاه جامع به انسان و محیط	۱۳/۵۰۵	۰/۰۰۰۱
نگاه جامع به انسان و محیط -> خلاقیت هنری	۵/۷۱۵	۰/۰۰۰۱
حساسیت زیبایی شناختی -> نگاه جامع به انسان و محیط -> خلاقیت هنری	۴/۷۶۷	۰/۰۰۰۱

برای بررسی روایی افتراقی پرسشنامه فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی در راستای ساحت‌های

تربیت زیباشناختی و هنری به مقایسه دو گروه دانش‌آموزان دارای فعالیت فوق‌برنامه و فاقد فعالیت فوق‌برنامه پرداختیم یافته‌ها نشان دادند که با ۹۹ درصد اطمینان بین دو گروه در کل مقیاس و تمامی عامل‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۱- نتایج آزمون t مستقل مقایسه افراد دارا و بدون فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی و هنری

گروه آزمون	آزمون لوین		آزمون t	
	F	درجه معناداری	T	درجه آزادی
مقیاس کلی	۲/۲۱۳	۰/۱۳۹	۴/۹۰	۱۶۱
حساسیت زیبایی شناختی	۲/۰۹۸	۰/۱۴۹	۳/۶۳	۱۶۱
خلاقیت هنری	۱/۲۲۲	۰/۲۷۱	۵/۰۰۴	۱۶۱
نگاه جامع به انسان و محیط	۰/۱۰۳	۰/۷۴۹	۲/۵۶۲	۱۶۱

در ادامه تحلیل‌ها، تفاوت‌های گروهی در پرسشنامه فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی (متناسب با ساحت‌های تربیت زیباشناختی و هنری) بر اساس متغیرهای جنسیت، سن، تحصیلات، محل زندگی و نوع فعالیت فرهنگی بررسی شد. نتایج تحلیل واریانس چندگانه (MANOVA) نشان داد تفاوت معناداری بین زنان و مردان در نمرات کل پرسشنامه وجود ندارد. متغیرهای سن، سطح تحصیلات، محل تحصیل و نوع فعالیت فرهنگی-هنری نیز تأثیر معناداری بر نمرات فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی نداشتند. این یافته‌ها حاکی از آن است که اثربخشی پرسشنامه در سنجش ابعاد تربیت زیباشناختی و هنری، مستقل از ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و نوع فعالیت فرهنگی افراد است و پاسخ‌ها در گروه‌های مختلف یکسان بوده است. این نتایج، قابلیت تعمیم پرسشنامه را به طیف متنوعی از جامعه تقویت می‌کند.

جدول ۱۲- مقایسه فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی در راستای ساحت‌های تربیت زیباشناختی و هنری از لحاظ جنسیت،

سن، مدت و نوع فعالیت فرهنگی در دانش‌آموزان دارای فعالیت فوق‌برنامه فرهنگی و هنری

متغیر	نوع	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون F	درجه معناداری
جنسیت	مذکر	۴۰	۴/۲۴	۰/۵۳	۱/۶۲۰	۰/۱۵۹
	مؤنث	۲۹	۴/۰۱	۰/۵۷		
سن	۷-۱۲ سال	۲۱	۴/۲۵	۰/۵۰	۰/۹۴۶	۰/۵۲۸
	۱۳-۱۵ سال	۲۳	۳/۷۳	۰/۴۷		
	۱۶-۱۸ سال	۲۷	۴/۱۴	۰/۶۴		
تحصیلات	ابتدایی	۲۱	۴/۲۱	۰/۴۰	۰/۸۹۳	۰/۶۰۸

		۰/۳۲	۴/۴۱	۲۳	متوسطه اول	
		۰/۵۴	۳/۹۰	۲۷	متوسطه دوم	
۰/۷۱۵	۰/۶۴۶	۰/۵۶	۴/۱۲	۵۶	شهر	محل زندگی
		۰/۵۸	۴/۰۶	۱۴	روستا	
۰/۱۴۶	۱/۷۰۵	۰/۵۶	۳/۹۵	۱۱	علمی	نوع فعالیت فرهنگی
		۰/۵۰	۴/۰۷۱	۲۳	تفریحی	
		۰/۵۳	۴/۳۰	۱۳	مذهبی	
		۰/۶۹	۳/۶۸	۶	ورزشی	
		۰/۶۴	۴/۱۹	۱۱	هنری	
		۰/۳۸	۴/۴۴	۵	سایر	

باتوجه به جدول (۱۳) می‌توان گفت که ضرایب پایایی خرده‌مقیاس‌ها از لحاظ آلفا کرونباخ، دونیمه‌سازی، و سایر ضرایب پایایی بسیار نزدیک به هم بود (۰/۸۳-۰/۹۳) و خلاقیت هنری دارای کمترین پایایی است و حساسیت زیبایی‌شناختی از بیشترین پایایی برخوردارند. پرسشنامه کلی دارای پایایی بسیار بالاست (آلفای کرونباخ ۰/۹۳)، که نشان‌دهنده هماهنگی قوی سؤالات و قابل اعتماد بودن کل ابزار است. همه مقیاس‌ها پایایی بالای ۰/۸ دارند که نشان‌دهنده طراحی مناسب است. شاخص‌های پیشرفته (rho_A و Composite Reliability) نیز ثبات مناسب مدل را تأیید می‌کنند. در نتیجه می‌توان گفت که پرسشنامه مورد استفاده در تحقیق حاضر دارای پایایی داخلی بسیار خوبی بوده و از ثبات برخوردار است.

جدول (۱۳) - ضرایب پایایی آلفای کرونباخ، دونیمه‌سازی مرتبط با خرده‌مقیاس‌ها و کل پرسشنامه

متغیرها	آلفای کرونباخ	دونیمه‌سازی	rho_A	Composite Reliability
پرسشنامه کلی	۰/۹۳	۹۶/۶	-	-
حساسیت زیبایی‌شناختی	۰/۹۰۵	۰/۸۷۳	۰/۹۱۱	۰/۹۲۰
خلاقیت هنری	۰/۸۲۵	۰/۸۴	۰/۸۹۶	۰/۸۷۹
نگاه جامع به انسان و محیط	۰/۸۴۲	۰/۸۴	۰/۸۴۳	۰/۸۸۱

https://sanad.iut.ac.ir/journal/tem/

۵. بحث و نتیجه‌گیری

فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی و هنری با تقویت حس زیبایی‌شناختی و افزایش حساسیت دانش‌آموزان نسبت به محیط، به رشد فردی و جمعی آنان کمک می‌کنند. این فعالیت‌ها جذابیت زندگی را افزایش داده و توانایی مواجهه خلاقانه با چالش‌ها را تقویت می‌نمایند. با این حال، پرورش درک هنری در نوجوانان نیازمند ابزارهای استاندارد و نظام‌مند است. این پژوهش با هدف طراحی یک

پرسشنامه استاندارد برای سنجش فعالیت‌های فرهنگی-هنری فوق‌برنامه با تمرکز بر ابعاد زیبایی‌شناختی و هنری انجام شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که این فعالیت‌ها از طریق سه بُعد کلیدی، به رشد فردی و اجتماعی دانش‌آموزان کمک می‌کنند. نخستین بُعد، حساسیت زیبایی‌شناختی است که شامل گویه‌های ۱ تا ۱۳ بوده و ناظر بر پرورش توانایی دانش‌آموزان در درک و واکنش به جلوه‌های زیبایی در طبیعت و آثار هنری است. راهکارهای آموزشی این بُعد شامل مشاهده دقیق محیط و آثار هنری، تحلیل روابط میان عناصر محیطی، و فعال‌سازی حواس پنج‌گانه می‌شود. پیامدهای عملی چنین آموزش‌هایی، افزایش توجه به زیبایی‌های پیرامون، پرورش ادراک حسی، و تعمیق تجربه زیسته از محیط خواهد بود. دومین بُعد، خلاقیت هنری است که در گویه‌های ۲۱ تا ۲۴ منعکس شده و بر رشد تفکر خلاقانه دانش‌آموزان تأکید دارد. در این راستا، راهکارهایی مانند تلفیق دانش‌های مختلف (مثلاً پیوند میان ریاضی و هنر در معماری)، نوآوری در ایده‌پردازی، و مشارکت در نقد و خلق آثار هنری پیشنهاد شده است. این فعالیت‌ها منجر به تقویت قدرت تفکر خلاق، تبدیل درک زیبایی‌شناختی به بیان ملموس، و فاصله‌گیری از تقلید صرف در فرآیند یادگیری می‌شود. سومین بُعد، نگاه جامع به انسان و محیط است که در گویه‌های ۱۴ تا ۲۰ گنجانده شده است. این بُعد بر درک پیوندهای میان انسان و طبیعت و ترویج اخلاق محیط‌زیستی تمرکز دارد. آموزش در این زمینه می‌تواند از طریق تحلیل اکوسیستم‌ها و روابط متقابل انسان با محیط، و نیز تأکید بر مسئولیت‌های اخلاقی نسبت به طبیعت صورت گیرد. پیامدهای حاصل از این رویکرد آموزشی، تقویت مسئولیت‌پذیری اجتماعی، درک بهتر تنوع فرهنگی، و تربیت شهروندانی آگاه و متعهد است. یافته‌های این پژوهش در سه محور کلان حساسیت زیبایی‌شناختی، خلاقیت هنری و نگاه جامع به انسان و محیط، به‌روشنی با اهداف و مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به‌ویژه «ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری» همخوانی دارد. این ساحت بر تقویت تخیل، خلاقیت، درک زیبایی‌ها و مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زیست تأکید می‌کند (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۱). در این راستا، حساسیت زیبایی‌شناختی از طریق تقویت حواس و تحلیل پدیده‌های طبیعی و هنری، به پرورش قوه خیال و درک زیبایی‌ها می‌پردازد. خلاقیت هنری نیز با تمرکز بر خلق آثار و تلفیق دانش با تخیل، هم‌راستا با محورهای آفرینش‌گری و گرایش به هنر در سند تحول است. هم‌پذیری و درک پیوندهای اکولوژیکی، به ساحت‌های اخلاقی و زیستی سند متصل است. این سه محور در قالب چرخه‌ای از «ادراک، بیان و مسئولیت‌پذیری» به تحقق هدف نهایی سند، یعنی «حیات طیبه» کمک می‌کنند.

این ابزار پژوهشی از اعتبار و پایایی بالایی برخوردار است. ضریب پایایی کلی آن بر اساس آلفای

کرونباخ برابر با ۰/۹۳ است که نشان‌دهنده انسجام درونی بسیار مطلوب ابزار است. در میان ابعاد مختلف، حساسیت زیبایی‌شناختی بالاترین پایایی را با مقدار ۰/۹۳ دارد، در حالی که خلاقیت هنری با مقدار ۰/۸۳ پایین‌ترین سطح را نشان می‌دهد و نیازمند بازنگری و تقویت است. همچنین، پایایی بُعد نگاه جامع ۰/۸۹ گزارش شده است. افزون بر این، نتایج تحلیل روایی افتراقی، نشان از تمایز معنادار میان دانش‌آموزان مشارکت‌کننده و غیرمشارکت‌کننده دارد که این امر بر اعتبار محتوایی ابزار می‌افزاید و همسو با پژوهش کنجاویچ (۲۰۲۴) است. از دیگر ویژگی‌های مهم این ابزار، قابلیت اجرای گسترده آن است. بررسی‌های آماری نشان داده‌اند که متغیرهای جمعیت‌شناختی نظیر جنسیت، سن، سطح تحصیلات، مکان تحصیل و نوع فعالیت تأثیری بر نتایج آزمون نداشته‌اند. این یافته بیانگر آن است که ابزار طراحی‌شده، قابلیت کاربرد برای طیف وسیعی از دانش‌آموزان با پیش‌زمینه‌های فرهنگی و جغرافیایی متفاوت را دارد. هم‌تواند نقش مهمی در ارزیابی اثربخشی برنامه‌های فرهنگی-هنری ایفا کند و در جهت تحقق عدالت آموزشی، با حذف سوگیری‌های جمعیت‌شناختی، به ارتقاء کیفیت برنامه‌ریزی در آموزش و پرورش کمک کند؛ لذا، این ابزار با دو کارکرد کلیدی نقش‌آفرینی می‌کند: نخست، ارزیابی اثربخشی برنامه‌ها از طریق تمایز در عملکرد هر یک از سه عامل شناسایی‌شده؛ دوم، تضمین عدالت آموزشی از آن‌رو که نتایج نشان دادند متغیرهای جمعیت‌شناختی تأثیری بر نتایج ندارند و پرسشنامه در اقلیم فرهنگی متنوع استان کهگیلویه و بویراحمد قابل اجراست، که با اصل عدالت آموزشی و تأکید سند بر اقلیم‌محوری همسو است. از نظر نظری نیز، این ابزار با تکیه بر تلفیق دیدگاه‌های الیوت آیزنر (۱۹۹۵)-در زمینه چهار حوزه آموزش هنر: تولید، نقد، تاریخ و زیبایی‌شناسی) و جان دیویی (۲۰۱۶)-با تأکید بر تجربه‌محوری و حل مسئله)، پوشش نظری مناسبی را برای فعالیت‌های فرهنگی-هنری در محیط مدرسه فراهم ساخته است.

یکی از نوآوری‌های برجسته این پژوهش، معرفی رویکردی نو است که در آن هنر با علوم مختلف، مانند ریاضی، تلفیق می‌شود. چنین تلفیقی می‌تواند در طراحی برنامه‌های آموزشی جدید، الگویی خلاقانه فراهم آورد. چارچوب مفهومی این ابزار به‌گونه‌ای تدوین شده که با ساحت «تربیت زیبایی‌شناختی و هنری» مندرج در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم‌راستا است. مفاهیمی مانند تقویت تخیل، خلاقیت، و مسئولیت‌پذیری در این چارچوب به‌صورت شاخص‌های قابل سنجش درآمده‌اند.

از جمله محدودیت‌های ابزار طراحی‌شده می‌توان به پایایی نسبتاً پایین بُعد خلاقیت هنری اشاره کرد. برای ارتقای آن در پژوهش‌های آینده، پیشنهاد می‌شود از شاخص‌های عینی‌تری مانند تعداد آثار تولیدی استفاده شده و گویه‌هایی متناسب با فرآیندهای خلاقانه افزوده شوند. همچنین، این ابزار هنوز اثربخشی

بلندمدت برنامه‌های فرهنگی-هنری را نمی‌سنجد؛ بنابراین انجام مطالعات طولی که عملکرد دانش‌آموزان را در بازه‌های زمانی گسترده دنبال کند، ضروری به نظر می‌رسد. یکی دیگر از محدودیت‌ها، وجود خطای خودگزارش‌دهی در پاسخ‌دهی دانش‌آموزان است. به همین دلیل، ترکیب ابزار پرسشنامه‌ای با روش‌های مشاهده‌ای و ارزیابی‌های معلمان می‌تواند به افزایش دقت نتایج کمک کند. در نهایت، این ابزار در شکل فعلی، برخی فعالیت‌های خاص مانند برنامه‌های مذهبی را پوشش نمی‌دهد. طراحی نسخه‌های اختصاصی برای سنجش این حوزه‌ها از جمله پیشنهاد‌های تکمیلی برای پژوهش‌های آتی است.

پرسشنامه طراحی‌شده در این پژوهش، به‌عنوان نخستین ابزار استاندارد در حوزه سنجش فعالیت‌های فرهنگی-هنری با تمرکز بر زیبایی‌شناسی، قابلیت‌های قابل‌توجهی برای اجرا در محیط‌های آموزشی دارد. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به سهولت استفاده، امکان نمره‌گذاری ساده، و قابلیت اجرای فردی یا گروهی اشاره کرد. این ابزار با فراهم آوردن اطلاعات دقیق درباره نقاط قوت و ضعف برنامه‌های فوق‌برنامه، زمینه‌ساز برنامه‌ریزی آموزشی مؤثر و هدفمند می‌شود. در عین حال، به دلیل حذف سوگیری‌های جمعیت‌شناختی، استفاده از این پرسشنامه می‌تواند به تحقق عدالت آموزشی کمک کند. به طور کلی، این ابزار چرخه‌ای مفهومی را دنبال می‌کند که از «ادراک زیبایی‌شناختی» آغاز شده، به «بیان خلاقانه» می‌انجامد و در نهایت به «مسئولیت‌پذیری محیطی» ختم می‌شود. این چرخه، گامی مؤثر در مسیر دستیابی به آرمان «حیات طیبه» در چارچوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. بر اساس نتایج پژوهش و چارچوب سه‌بعدی ارائه‌شده، پیشنهاد‌های کاربردی زیر برای بهره‌برداری بهتر از ابزار طراحی‌شده و ارتقای برنامه‌های فرهنگی-هنری در محیط‌های آموزشی قابل طرح است:

۱. توسعه و بهبود برنامه‌های فرهنگی-هنری در مدارس

- طراحی برنامه‌هایی که به‌طور متوازن هر سه بُعد حساسیت زیبایی‌شناختی، خلاقیت هنری، و نگاه جامع به انسان و محیط را پوشش دهند.
- بهره‌گیری از تلفیق میان‌رشته‌ای (مانند ریاضی و هنر) در طراحی فعالیت‌های فوق‌برنامه، به‌ویژه در قالب پروژه‌های گروهی و کاربردی.

۲. استفاده از پرسشنامه به‌عنوان ابزار ارزشیابی برنامه‌ها

- به‌کارگیری پرسشنامه طراحی‌شده برای ارزیابی میزان اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی-هنری در مدارس، مراکز فرهنگی، و پژوهش‌های مرتبط.
- استفاده از نتایج این ارزیابی برای بازنگری، بهبود و بومی‌سازی محتواهای آموزشی بر اساس ویژگی‌های منطقه‌ای و فرهنگی دانش‌آموزان.

۳. توانمندسازی معلمان و مربیان

- برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای معلمان با هدف آشنایی با ابعاد سه‌گانه فعالیت‌های فرهنگی-هنری و چگونگی ارزیابی آن‌ها.
- ارائه راهنمای عملی برای استفاده از پرسشنامه در سنجش رشد زیبایی‌شناختی و خلاقیت هنری دانش‌آموزان.

۴. گسترش عدالت آموزشی

- بهره‌برداری از ابزار طراحی‌شده در مناطق محروم یا فرهنگی خاص (مانند استان‌های قومیتی)، با هدف اطمینان از تعادل و دسترسی عادلانه به فرصت‌های فرهنگی-هنری برای همه دانش‌آموزان.

۵. پشتیبانی از پژوهش‌های آینده‌نگر

- انجام مطالعات طولی برای بررسی تأثیر بلندمدت فعالیت‌های فرهنگی-هنری بر رشد دانش‌آموزان در ابعاد شخصیتی و اجتماعی.
- ترکیب ابزار پرسشنامه‌ای با روش‌های کیفی و مشاهده‌ای برای کاهش خطاهای ناشی از خودگزارش‌دهی و افزایش اعتبار داده‌ها.

۶. طراحی نسخه‌های اختصاصی ابزار

- تدوین نسخه‌های تخصصی از پرسشنامه برای ارزیابی برنامه‌های خاص فرهنگی (مانند فعالیت‌های مذهبی، آیینی، یا بومی)، متناسب با اهداف خاص هر نوع برنامه.
- این پیشنهادها می‌توانند راهنمایی مؤثر برای سیاست‌گذاران آموزشی، مدیران مدارس، پژوهشگران و مربیان فرهنگی باشند تا با استفاده از نتایج پژوهش، فرآیندهای آموزشی خلاقانه و منصفانه‌تری را طراحی و اجرا کنند.

این پژوهش با طراحی ابزاری معتبر، گامی عملی در مسیر اجرای سند تحول بنیادین در حوزه فعالیت‌های فرهنگی و هنری برداشته است. مضامین شناسایی‌شده نه تنها با نظریه‌های معتبر تربیتی و هنری مانند دیدگاه‌های آیزنر و دیویی هم‌راستا هستند، بلکه با توجه به ویژگی‌های بومی استان کهگیلویه و بویراحمد، الگویی قابل تعمیم برای سایر مناطق کشور نیز ارائه می‌دهند. یافته‌های این پژوهش می‌تواند راهنمایی عملی برای سیاست‌گذاران آموزشی در طراحی برنامه‌های فوق‌برنامه‌ی مؤثر و مبتنی بر شواهد فراهم آورد.

سپاسگزاری

بدین وسیله از تمامی مسئولان محترم و دانش آموزانی که در اجرای این پژوهش ما را یاری نمودند، صمیمانه سپاسگزاریم. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مصوب شماره IR/02-09-1401001020 با عنوان «طراحی الگوی فعالیت‌های فوق‌برنامه فرهنگی و هنری در راستای ساحت‌های سند تحول به‌ویژه ساحت تربیت زیباشناختی و هنری در دانش آموزان استان کهگیلویه و بویراحمد» است که با حمایت مالی اداره کل آموزش و پرورش استان کهگیلویه و بویراحمد انجام شده است.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

منابع

- ادیب‌منش، مرزبان، پرویزی، اکبر. (۱۴۰۱). زیبایی‌شناسی و هنر از دیدگاه جان دیویی و اشارات تربیتی آن برای نظام تعلیم و تربیت اسلامی ایران. پویش در آموزش علوم انسانی، ۸(۲۸)، ۴۵-۷۲. <https://sid.ir/paper/1030046/en>
- پرکان، حسین؛ سلطانی، مرتضی، (۱۳۹۰)، طراحی الگوی مفهومی تحلیل فرهنگی کشور مبتنی بر رویکرد تئوری مفهوم‌سازی بنیادی، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۱(۲)، ۵۹-۷۳. <https://modiriyati.nashriyat.ir/node/20>
- تقی‌پور سهل آبادی، حبیب‌الله، عباسی، عفت، کیان، مرجان، رضایی کرمانی نسب‌پور، محمدعلی. (۱۴۰۰). تدوین ساختار فعالیت‌های فوق برنامه مدارس با توجه به سیره امام رضا (ع). فرهنگ رضوی، ۹(۳۵)، ۶۳-۸۹. <https://doi.org/10.22034/farzv.2021.239971.1547>
- جعفری کمانگر، فاطمه، زارعی، مریم. (۱۴۰۰). نگرش انتقادی به پایبندی کتب فارسی به ساحت زیبایی‌شناسی و هنری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۲۱(۹)، ۱۴۷-۱۶۸. <https://doi.org/10.30465/crtls.2021.31811.1912>
- حسینی، سیده بتول، صادقی، علیرضا، خسروی بابادی، علی اکبر و دوابی، مهدی. (۱۴۰۲). سنتز پژوهی مولفه‌های برنامه درسی فوق‌برنامه. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۹(۱)، ۲۳-۳۲. <https://doi.org/10.22034/ijes.2023.548972.1269>
- خوش‌سیما، مهین. (۱۴۰۱). بررسی نقش فعالیت‌های فوق‌برنامه درسی بر عملکرد اجتماعی، تحصیلی، عاطفی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی از دیدگاه معلمان، پایان‌نامه ارشد، موسسه آموزش عالی قدیر لنگرود، گروه مدیریت.
- درزی رامندی، هادی، کیان، مرجان، عباسی، عفت و حاجی حسین‌نژاد، غلامرضا. (۱۳۹۸). طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی مبتنی بر فعالیت‌های فوق برنامه در دوره ابتدایی بر اساس الگوی کلاین. نظریه و عمل در برنامه درسی، ۷(۱۴)، ۱۹۳-۲۳۰. https://www.jcstpicsa.ir/article_192036.html?lang=fa
- دلار، علی. (۱۴۰۲). کتاب روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی (ویراست پنجم). تهران: ویرایش. ۳۸۳. <https://ravabook.ir/>
- سنجولی، جواد. (۱۴۰۰). چالش‌های انجام فعالیت‌های فوق‌برنامه در آموزش دانش‌آموزان با شبکه آموزش دانش‌آموزی در دوره همه‌گیری کووید ۱۹، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه بیرجند، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- علیق، محمدحسین. (۱۳۹۰). تبیین دیدگاه‌های زیبایی‌شناختی ابوحنیف توحیدی در تعلیم و تربیت و نقد آرای زیباشناختی الیوت آیزنر بر اساس آن، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس. <https://elmmnet.ir/doc/10523564-55822>
- عیاری، لیلا، موسی‌پور، نعمت‌الله. (۱۴۰۲). آموزش نیکوکاری در مدارس دوره ابتدایی ایران. پژوهشنامه مطالعات وقف و امور خیریه، ۱(۲)، ۱۸۹-۲۲۲. <https://doi.org/10.22108/ecs.2023.135586.1035>
- غلام‌پور، میثم، میرمحمدی، محمود، اوضاعی، نسرين. (۱۴۰۰). تبیین تربیت هنری از دیدگاه دیویی و بررسی انتقادی آن از منظر آراء اندیشمندان. مطالعات برنامه درسی، ۱۶(۶۰)، ۳۶-۷. <https://doi.org/20.1001.1.17354986.1400.16.60.1.2>
- نیکخواه، محمد. (۱۴۰۱). تحلیلی بر دستاوردهای یادگیری رشته آموزش ابتدایی، از دیدگاه دانش‌آموختگان و اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان (مطالعه ترکیبی). رویکردهای نوین آموزشی، ۱۷(۲)، ۴۱-۶۲. <https://doi.org/10.22108/nea.2023.134528.1803>
- وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. https://sce.ir/media/note_file
- وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. <https://sanadtahavol.ir/>

Alkorov, Kodir Kholmatovich. (2022). The Role of Extracurricular Learning In Secondary School. *Mental Enlightenment Scientific-Methodological Journal*, 3 (4). <https://uzjournals.edu.uz/tziuj/vol2022/iss3/4>

Artaeva, G.V., Appaeva, Ya.B., Kyunkrikova, I.V., Mutyrova, A.S., Shovgurova, I.V., Boltyrova, T.M. (2021). *Formation of artistic and aesthetic culture of students in rural social environment*. E3S Web Conf. Topical Problems of Green Architecture, Civil and Environmental Engineering (TPACEE-2021), Volume 284, <https://doi.org/10.1051/e3sconf/202128408015>

Boiko, Anna. (2023). Formation of students' soft skills by means of integration of English and arts in extracurricular activities. *Art and Education*, 109 (3), 48-53. [https://doi.org/10.32405/2308-8885-2023-3\(109\)-48-53](https://doi.org/10.32405/2308-8885-2023-3(109)-48-53)

Darzi, H. , Kian, M. , Abbasi, E. And Hajihoseinnejad, G. R. (2020). Design and validation of a curriculum pattern based on extracurricular activities in primary education based on Klein model. *Theory and Practice in the Curriculum*, 7(14), 193-230. <http://cstp.khu.ac.ir/article13023fa.html>

Dewey, J. (2016). *The Quest for certainty: A Study of the Relation of Knowledge and Action*. Gifford Lectures. <https://www.amazon.com/Quest-Certainty-Relation-Knowledge-Lectures/dp/0399501916>

Ishiguro, C., Ishihara, T. & Morita, N. (2023). Extracurricular music and visual arts activities are related to academic performance improvement in school-aged children. *npj Science Learning*, 8(7): 1-15. <https://doi.org/10.1038/s41539-023-00155-0>

Kenjaevich, Djalilov Ergash. (2024). Stages of Formation and Development of The City of Nukus. *Innovative: International Multidisciplinary Journal of Applied Technology* (2995-486X), 1-4. <https://multijournals.org/index.php/innovative/article/view/1174>

Kline, R.B. (2023). *Principles and Practice of Structural Equation Modeling*. NY: Guilford Press. <https://books.google.com>

Zhang, Biyun. (2024). Implementation Path of Extracurricular Aesthetic Education Practices Based on Interdisciplinary Theme Learning. *Academic Journal of Humanities & Social Sciences*, 7 (3): 114-119. <https://doi.org/10.25236/AJHSS.2024.070317>